

نقش خطمشی‌های قوه مجریه افغانستان در وحدت ملی

محمد مهدی نادری قمی / استادیار گروه مدیریت مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ✉
 جواد زاهدی / دانشجوی دکتری قرآن و علوم (گرایش مدیریت)، مجتمع آموزش عالی قرآن و حدیث - مدرسه عالی قرآن و علوم
 mo.javad.zahedi@gmail.com

دریافت: ۱۳۹۹/۰۲/۱۱ - پذیرش: ۱۳۹۹/۰۵/۱۰

چکیده

در پژوهش حاضر «نقش خطمشی‌های عمومی قوه مجریه افغانستان» و تأثیر آن در تحقق «وحدت ملی» مورد تحقیق قرار گرفت. بر اساس الگوی مفهومی محقق ساخته، فرضیه اصلی این پژوهش «خطمشی‌های عمومی قوه مجریه افغانستان، در تحقق وحدت ملی» است. فرضیه‌های فرعی این پژوهش را ابعاد سیاسی، اقتصادی، فرهنگی - اجتماعی و اداری تشکیل می‌دهند. روش این پژوهش، از نظر هدف کاربردی، از نظر نوع داده‌ها آمیخته، از جهت روش پیمایشی، از حیث زمان مقطعی، و از جهت ابزار پرسش‌نامه‌ای و اسنادی است. ۷۲ پرسش‌نامه به روش نمونه‌گیری غیراحتمالی هدفمند در دانشگاه‌های افغانستان توزیع شد و پس از جمع‌آوری، داده‌های آن وارد نرم‌افزار SPSS گردید. یافته‌های به دست آمده از تحلیل توصیفی و استنباطی داده‌ها، بیانگر آن است که میانگین تأثیر خطمشی‌های عمومی قوه مجریه افغانستان، در ایجاد وحدت ملی، بالاتر از P - Value است. این بدان معناست که متغیر خطمشی‌های عمومی قوه مجریه افغانستان، از تأثیر گذاری لازم بر فرایند تحقق وحدت ملی برخوردار است با توجه به یافته‌های به دست آمده از آزمون الگوی مفهومی توصیفی و استنباطی پژوهش در جامعه آماری مورد نظر، می‌توان نتیجه گرفت که خطمشی‌های عمومی قوه مجریه افغانستان، در تحقق وحدت ملی تأثیر دارد.

کلیدواژه‌ها: خطمشی عمومی، قوه مجریه، افغانستان، دولت، وحدت ملی.

کشور «افغانستان» از سابقه تمدن کهن و فاخری برخوردار است و در طول تاریخ مورد توجه کشورهای گوناگون، از جمله قدرت‌های سلطه‌گر و مستکبر قرار داشته است. در دو قرن گذشته، انگلیس، شوروی و آمریکا در مقاطع مختلف با دسیسه‌های گوناگون چشم طمع به این کشور داشته‌اند. آنچه این کشور را در انحطاط انداخته، عدم هم‌پذیری و وحدت ملی است. وحدت ملی یکی از ارکان اصلی حکومت‌داری خوب به حساب می‌آید و تحقق و ایجاد وحدت ملی در گرو خطامشی‌های اجتماعی، سیاسی، آموزشی و اقتصادی است. خطامشی‌های عمومی نیازمند قدرت‌های سیاسی، اقتصادی، آموزشی، فرهنگی و اداری است. نهادهی که از قدرت مشروع برخوردار می‌باشد، قوه مجریه است. خطامشی‌های این قوه می‌تواند رویکرد همبستگی ملی را در جامعه گسترش دهد و از طریق نهادهای مختلف، مانند نهادهای اداری، آموزشی، رسانه‌ای، دینی، اجتماعی و فرهنگی نهادینه سازد.

۱. بیان مسئله

افغانستان از جمله کشورهای عقب‌مانده به حساب می‌آید و از مشکلات محیطی و داخلی رنج می‌برد. یکی از مهم‌ترین مشکلات داخلی این کشور، تفکر فئودالیسمی است. این مسئله، بسیاری از نهادهای فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و اداری را درگیر کرده است. برای راه‌حل این مشکل، تلاش بنیادی به سمت وسوی تفکر وحدت ملی لازم است، که می‌تواند از خانواده، مدرسه، دانشگاه، رسانه و نهادهای دیگر شروع شود؛ زیرا همزیستی مسالمت‌آمیز، تفکر هم‌پذیری، وحدت و همدلی، سبب پیشرفت و توسعه یک کشور در ابعاد سیاسی، اقتصادی، اداری و فرهنگی می‌گردد. یکی از نهادهای اساسی و تأثیرگذار در این عرصه، قوه مجریه است. سؤال اساسی این است که نقش خطامشی‌های قوه مجریه، در ایجاد و تحقق وحدت ملی به چه میزان می‌تواند تأثیرگذار باشد؟ پاسخ به این سؤال، نیازمند بررسی سؤال‌های زیر است:

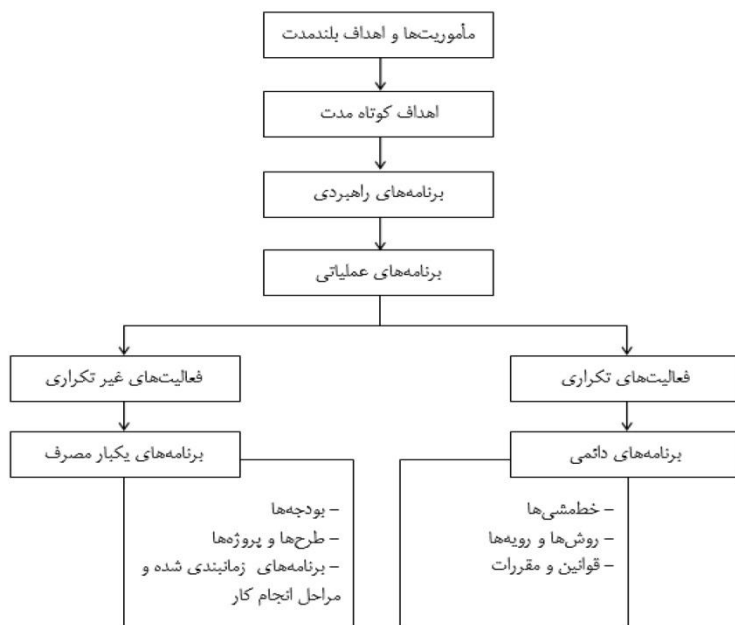
۱. خطامشی‌های سیاسی قوه مجریه افغانستان چقدر در ایجاد وحدت ملی نقش دارد؟
۲. خطامشی‌های اقتصادی قوه مجریه افغانستان به چه میزان در ایجاد وحدت ملی نقش دارد؟
۳. خطامشی‌های فرهنگی - اجتماعی قوه مجریه افغانستان چه مقدار در پیشبرد وحدت ملی نقش دارد؟
۴. خطامشی‌های اداری قوه مجریه افغانستان تا چه حد در تحقق وحدت ملی نقش دارد؟

۲. مفهوم‌شناسی

۱-۲. خطامشی

خطامشی معادل واژه policy از ریشه politic و به معنای سیاست است (کاظمی، ۱۳۸۱، ص ۱۶) و از دیدگاه لغت‌شناسان به معنای مسلک، رویه، سیاست، سیاستمداری، مصلحت‌اندیشی، کاردانی، سند معلق به انجام شرطی، اداره یا حکومت کردن و روش آمده است. همچنین به معنای روش کار، مسیر کار و نحوه اجرای امری

نیز به کار رفته است (ر. ک. دهخدا، لغت‌نامه) اما در اصطلاح، معناهای مختلفی از آن ارائه شده است که از جمله به معنای «تخصیص اقتدارآمیز ارزش‌ها» است. در تعریفی دیگر، politics «تنظیم ادعاهای متضاد گروهی با استفاده از قدرت» است. خطمشی، مشخص‌کنندهٔ محدوده‌ای است که تصمیم‌های آتی باید در داخل آن اتخاذ شوند. خطمشی مطابق نمودار شمارهٔ ۱، برنامه‌ای است که به‌منزلهٔ راهنمای عمل، مدنظر مدیران قرار می‌گیرد و نحوهٔ اجرای برنامه را برای مسئولان اجرایی یک نهاد معین می‌کند و وسیلهٔ مؤثری برای کنترل عملیات به شمار می‌آید (رضائیان، ۱۳۷۸، ص ۲۱۰ - ۲۱۲). خطمشی در سطوح مختلف از نهادهای اجتماعی، مانند دولتی، سازمانی و شخصی قابل تطبیق است (همان). در نمودار سلسله‌مراتب برنامه‌ها، خطمشی به‌عنوان یکی از برنامه‌های دائمی سازمان به‌حساب آمده است.



نمودار ۱. سلسله‌مراتب برنامه‌ها (همان، ص. ۲۰۴)

۲-۲. خطمشی عمومی

policy به همراه کلمهٔ public می‌آید و به «خطمشی عمومی» معنا می‌دهد. خطمشی عمومی تصمیمی است که در قبال یک مشکل عمومی اتخاذ می‌شود (قلی‌پور، ۱۳۹۲، ص ۹۶). در نهایت، خطمشی عمومی در لغت به معنای اساسنامه، مرام‌نامه، روش و رویه است (تسلیمی، ۱۳۷۸، ص ۱۰).

خطمشی عمومی در اصطلاح، ابزاری است که دولت یا قوهٔ مجریه به کار می‌بندد. آقای آرون هیوز می‌گوید: خطمشی عمومی عبارت است از «بیان مقاصد و نیت، برنامهٔ نیل به اهداف و ضوابط کلی که هدایت‌کنندهٔ رفتار

آینده در تصمیم‌گیری‌های دولتی‌اند؛» همچنین به معنای «تصمیمات مهم دولت، یک خط یا راهکار انتخاب شده برای عمل، پیامدهای اقدام یا عدم اقدام و حتی کل اقدامات دولت» و نیز به معنای «تمایلات اعلام شده احزاب در انتخابات، قوانین کلی مانند سیاست خارجی، و هرچه دولت انجام می‌دهد» به کار رفته است (هیوز، ۱۳۹۴، ص ۱۷۰ - ۱۷۱). *توماس دای* می‌گوید: خطمشی عمومی عبارت است از «هر آنچه دولتی انتخاب می‌کند تا انجام دهد یا انجام ندهد» (هاولت و همکاران، ۱۳۹۴، ص ۱۱).

در تعریف برگزیده، خطمشی عمومی عبارت است از «یک سلسله اقدامات هدف‌دار که به وسیله یک فرد یا گروهی از افرادی که قدرت و مشروعیت خطمشی عمومی را دارا باشند، برای مقابله و رفع یک مشکل عمومی شکل می‌گیرد» (الوانی، ۱۳۷۸، ص ۱۹ - ۲۰). منظور از فرد، مقام ریاست جمهوری است و منظور از گروه، هیئت وزیران و کابینه است که مجموعاً قوه مجریه را شامل می‌شود. این تعریف را از میان تعریف‌هایی که آقای الوانی بیان داشته است، برگزیدیم؛ زیرا جامع‌تر به نظر می‌رسد و دارای ویژگی‌هایی است. چند نکته در این تعریف گنجانده شده که از اهمیت خوبی برخوردار است.

سلسله اقدامات هدف‌دار: منظور، تمام فعالیت‌های قوه مجریه است که به صورت مدون، از سوی خطمشی‌گذاران به آنها سپرده شده است.

فرد یا گروه از افراد: منظور، از فرد، رئیس‌جمهور و منظور از گروه، شورای وزیران و کابینه است. قدرت و مشروعیت خطمشی عمومی: منظور از آن، افرادی هستند که توسط نمایندگان مردم انتخاب شده‌اند و نسبتاً قدرت پیشنهاد و اجرای خطمشی را دارند.

مقابله و رفع یک مشکل عمومی: منظور از آن، تمام مسائل عمومی و نهادهای اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و آموزشی است. نکته‌ای که به مناسبت موضوع این پژوهش لازم است در اینجا به آن اشاره کنیم، رابطه خطمشی عمومی با قانون است. خطمشی عمومی به صورت غیرمستقیم، ذهن ما را به سمت افعالی سوق می‌دهد و با شرح کلی‌تری از بایدها یا نبایدها، مسیر دستیابی را هموار می‌سازد. همچنین با دیدگاه کلی، هدف و رسالت را از زاویه بیرون به سمت داخل تجزیه و تحلیل می‌کند؛ درحالی‌که قانون عموماً هدف و رسالت نهایی را از منظر درونی و با ذکر جزئیات تشریح می‌کند و مستقیماً به ذکر بایدها و نبایدها می‌پردازد. باین حال می‌توان بیان داشت که بین این دو مقوله رابطه عموم و خصوص مطلق وجود دارد؛ یعنی هر خطمشی‌ای قانون است؛ اما هر قانونی خطمشی محسوب نمی‌شود (رضائیان، ۱۳۷۸، ص ۲۱۰ - ۲۱۲).

۳-۲. قوه مجریه

پیشینه نظریه تفکیک قوا به یونان بازمی‌گردد. /رسطو بر این باور بود که هر حکومتی دارای سه قدرت است. همچنین هوگو گروس‌سیوس (Hugo Grotius)، پوفندرف (Samuel von Pufendorf) و ولف (Christian Wolff) سه تن از نامدارترین اندیشمندان مکتب «حقوق فطری و بین‌المللی» می‌گویند که تعداد وظایف و اختیارات

حکومت، بی‌شمار و متنوع است. ژان بدن (Jean Bodin) و شاگردانش نیز حکومت را به شش بخش تقسیم کردند. ایشان قوه مقننه را محور همه بخش‌ها می‌دانستند.

در قرن هفدهم، جان لاک (John Locke) به‌عنوان نخستین نویسنده و متفکر، نظریه جامعی در باب اصل تفکیک قوا در کتاب خود مطرح ساخت. او بیان داشت که هر جامعه‌ای باید سه قوه مقننه، مجریه و متحده (اقتدار اعلام جنگ و عقد صلح و انعقاد قراردادهای بین‌المللی) را از یکدیگر مشخص کند.

اصل تفکیک قوا، دستاورد منتسکیو فیلسوف و متفکر فرانسوی در قرن هجدهم است. او با هدف حفظ و حراست از آزادی و امنیت فردی، بر توازن و تعادل قوا تأکید داشت (منصور نژاد، ص ۱۳۷۸، ۴۰ - ۴۴). ملاک منتسکیو برای تفکیک قوا، قانون است؛ یعنی اول باید قانونی باشد تا مطابق آن، قوا را به سه قوه تقسیم کنیم و وظیفه مشخص داشته باشیم. مانند وضع، اجرا و قضاوت (قاضی، بی‌تا، ص ۳۳۷). از طرفی ایشان بیان می‌دارد که رفتار افراد و حکومت‌ها در هر جامعه‌ای، صرفاً به وسیله قوانین تعیین نمی‌شود؛ بلکه تابع مجموعه عوامل پیچیده‌ای چون مذهب، رسوم، عادات و آداب و آب و هوا و عوامل جغرافیایی است که روح قوانین یا نظام‌های سیاسی را تشکیل می‌دهند. حاکمان واقع‌بین کسانی هستند که منش ملی و روح جامعه خود را دریابند و برحسب مورد، مطابق یا مخالف آن عمل کنند. به نظر منتسکیو، مذهب ابزار سیاسی مهمی است که سیاستمداران دانا نباید از فواید آن غافل بمانند (بشیریه، ۱۳۸۳، ص ۲۸۶). منتسکیو می‌گوید: قوه مجریه اجراکننده اموری مانند حقوق بین‌الملل، امنیت خارجی کشور از تهاجم حمله اجانب، جنگ، صلح و فرستادن سفیر به سایر کشورها را به عهده دارد.

رسالت اساسی قوه مجریه اجرای قانون اساسی برای تأمین مصلحت عمومی، سعادت، آرامش و آسایش مردم است. مصلحت عمومی آن است که حکومت در خدمت افراد باشد. قوه مجریه برای تحقق چنین رسالتی فعالیت‌های مختلفی را بر اساس مقتضیات و شرایط زمان و محیط به عهده داشته‌اند (دانش، ۱۳۹۱، ص ۳۸۷ - ۳۸۸).

۴-۲. افغانستان

قدمت کشور افغانستان به چندین هزار سال قبل از میلاد مسیح برمی‌گردد که دارای شهرهای پرجمعیت و حاکمان قدرتمند، مانند کوروش (۵۳۰-۵۹۹ ق.م)، پادشاهان ساسانی (۶۳۶-۲۲۶ ق.م)، داریوش اول (۵۲۱ - ۴۲۶ ق.م)، کوشانیان (از قرن اول میلادی تا سال ۲۳۰ م)، حکومت یفتلی (۴۵۰-۵۶۸ م)، سلسله شیران بامیان (۴۲۰ - ۹۵۸ م)، حکومت غزنویان (۹۶۷ - ۱۲۰۱ م)، دولت غوریان (۱۱۴۸ - ۱۲۱۴ م) و ... بوده است. آن کشور از تمدن و ساختار حکومتی کم‌نظیر برخوردار بوده است؛ اما اطلاعات چگونگی اعمال قدرت آنها به‌صورت مفصل و واضح در اختیار ما نیست (فرهنگ، ۱۳۸۰، ص ۶ - ۱۴). ساختار حکومتی گسترده، برای اولین بار توسط احمدشاه ابدالی در سال ۱۷۴۷م به کار گرفته شد و عرصه تقسیم‌کار را گسترش داد و یک امپراتوری بسیار قدرتمندی ساخت. وی برای اولین بار در داخل کشور تشکیلات را بنا نهاد که متشکل از وزارت‌خانه و اداره مردمی و نظامی بود (زاهدی، ۱۳۹۵،

ص ۵۴). او برای اولین بار شورایی از بزرگان عشایر خودش را برای مشورت امور، به طور دائم تشکیل داد (فرهنگ، ۱۳۸۰، ص ۱۱۱ - ۱۳۷). عواملی که در مسیر تحقیق تحلیل و ارزیابی خواهیم کرد، عبارت‌اند از موقعیت، اقوام، زبان، دین، مذهب و فرهنگ، که از آن به اختصار نام می‌بریم.

الف) موقعیت جغرافیایی: افغانستان سرزمین کوهستانی است که در قلب آسیا و محصور در خشکی قرار دارد. افغانستان با پنج کشور همسایه مرز مشترک دارد. از جانب شمال با کشور تاجیکستان (حدود ۱۲۰۶ کیلومتر)، ازبکستان (حدود ۱۳۷ کیلومتر) و ترکمنستان (حدود ۷۴۴ کیلومتر) مرز مشترک دارد. از جانب جنوب و جنوب شرقی با کشور پاکستان (حدود ۲۵۰۰ کیلومتر) و از طرف غرب با کشور ایران (حدود ۹۰۰ کیلومتر) هم‌مرز است (دولت‌آبادی، ۱۳۸۱، ص ۳۱ - ۳۲). افغانستان چهارمین کشور قاره پهناور آسیا (پس از هند، چین و مالزی) به‌شمار می‌آید.

ب) اقوام: در افغانستان اقوام گوناگون و بسیار زندگی می‌کنند و از آن به‌عنوان رنگین‌کمان اقوام یا موزه زنده تاریخ و گاه به‌عنوان گنجینه اقوام یاد می‌شود. بیش از پنجاه گروه قومی با خصوصیات فرهنگی متمایز در قلمرو این سرزمین به‌سر می‌برند (نجفی، ۱۳۹۰، ص ۱۸). بالاین حال، بزرگ‌ترین اقوام مطرح در افغانستان عبارت‌اند از پشتون‌ها، هزاره‌ها، تاجیک‌ها و ازبک‌ها (دولت‌آبادی: ۱۳۸۱، ص ۳۴ - ۳۷).

د) فرهنگ و مذهب: مردم افغانستان به زبان‌های مختلف و با لهجه‌های گوناگون سخن می‌گویند (همان، ۱۳۸۱، ص ۳۷ - ۳۹). بیش از سی زبان و گویش مستقل یا نیمه‌مستقل در آن سرزمین وجود دارد. ۹۹ درصد مردم افغانستان مسلمان‌اند و تعداد محدودی هندو و سیک نیز در این کشور وجود دارد. ۶۵ تا ۷۰ درصد کل جمعیت افغانستان را حنفی‌مذهب تشکیل می‌دهد و ۳۰ تا ۳۵ درصد، پیروان مذهب جعفری‌اند (همان، ۱۳۸۱، ص ۴۰).

۱-۴-۲. قوه مجریه افغانستان

قوه مجریه بر اساس قانون اساسی جمهوری اسلامی افغانستان (مصوب ۱۳۸۲) مرکب از دو بخش است: یکی ریاست جمهوری با وظایف و کارکردهای خاص که در همه عرصه‌ها وجود دارد؛ دیگری حکومت، که منظور از آن، شورای وزیران است (دانش، ۱۳۹۱، ص ۳۹۱).

در ماده ۷۱ قانون اساسی افغانستان آمده است که «حکومت متشکل است از وزرا که تحت ریاست رئیس‌جمهور اجرای وظیفه می‌کنند. تعداد وزرا و وظایف آنها توسط قانون تنظیم می‌گردد.» (ر. ک. قانون اساسی افغانستان، ۱۳۸۲). بر اساس این تعریف، حکومت عبارت است از وزیران و وزارت‌خانه‌ها که به‌عنوان نهادهای مرکزی و به‌طور مستقیم زیر نظر رئیس‌جمهور انجام وظیفه می‌کنند.

رئیس‌جمهور علاوه بر ریاست حکومت، وظایف اجرایی دیگری نیز دارد و به‌عنوان رئیس دولت در عرصه‌های اجرایی، تقنینی و قضایی از صلاحیت‌های زیادی برخوردار است (دانش، ۱۳۹۱، ص ۴۱۰). برای تطور قوه مجریه و کارکرد آن، به‌صورت مفصل‌تر در فصل دوم - که نظریات پژوهش بیان شده است - می‌پردازیم.

وحدت در لغت به معنای نزدیکی، هماهنگی و مبارزه مشترک نیروهای گوناگون برای نیل به هدف مشترک است (آقابخشی و همکاران، ۱۳۸۹، ص ۷۱۲)؛ همچنین به معنای یگانه شدن، یکتایی، یگانگی، انفرادی و تنهایی به کار رفته است. واژه ملی از نظر لغوی، به معنای منسوب به ملت و آنچه در اختیار ملت قرار دارد، می‌باشد. گاه یک دولت را به دلیل وابستگی به ملت، دولت ملی می‌گویند. کلمه «ملی» (public, national, popular) اساساً یک مفهوم حقوقی بین‌المللی است و به فردی اطلاق می‌شود که تابعیت دولت معینی را داشته باشد و تبعه و همچنین مترادف شهروند است (دانش، ۱۳۹۱، ص ۴۳۸). همچنین در لغت‌نامه‌های انگلیسی به معنای سودمند برای همه، عام‌المنفعه، عمومی، ملی، قومی، وابسته به قوم یا ملتی، تبعه، شهروندی دارای وجهه ملی، مردم‌پسند، معروف، محبوب، وابسته به توده مردم، خلقی، ملی، توده‌پسند و میهنی آمده است. صفت ملت، به معنای دسته‌ای از افراد بشر که دارای برخی اوصاف مشترک‌اند و نیز به معنای وابسته و مرتبط به یک دولت است (آقابخشی و افشاری راد، ۱۳۸۹، ص ۴۳۸). در واقع واژه «ملت» عربی است و به معنای دین (راه و روش) است (بستانی و مهیار، ۱۳۷۵، ص ۸۵۸). این کلمه در قرآن کریم نیز به همین معنا آمده است. مفهومی که این کلمه در قرآن کریم دارد، با مفهومی که امروز در زبان فارسی از آن «ملیت» را مشتق کرده‌اند، متفاوت است؛ زیرا «ملت» در اصطلاح قرآن به معنای راه و روش و طریقه‌ای است که از طرف یک رهبر الهی بر مردم عرضه شده است (مطهری، بی‌تا، ص ۵۹). مثلاً می‌فرماید: «مِلَّةَ اِبْرَاهِيْمَ اِبْرَاهِيْمَ؛ یعنی راه و روش پدر شما ابراهیم (حج: ۷۸) یا می‌فرماید: «مِلَّةَ اِبْرَاهِيْمَ حَنِيفًا» (انعام: ۱۶۱).

راغب اصفهانی در کتاب *مفردات القرآن* می‌گوید: «ملت و املا که همان املا است، از یک ریشه است»: «فَلَيْمِلُّ وَيَلِيُّ بِالْعَدْلِ»؛ ولی او از روی عدالت املاء کند» (بقره: ۲۸۲). راغب می‌گوید: «علت اینکه یک طریقه الهی «ملت» نامیده شده، این است که از طرف خداوند املا و دیکته شده است» (راغب اصفهان، ۱۴۱۲، ص ۷۷۳). بنابراین، از نظر قرآن مجموعه فکری و علمی و یک روشی که مردم باید طبق آن عمل کنند، ملت نامیده می‌شود. از این رو، ملت با دین یک معنا دارد (مطهری، بی‌تا، ص ۵۸ - ۵۹).

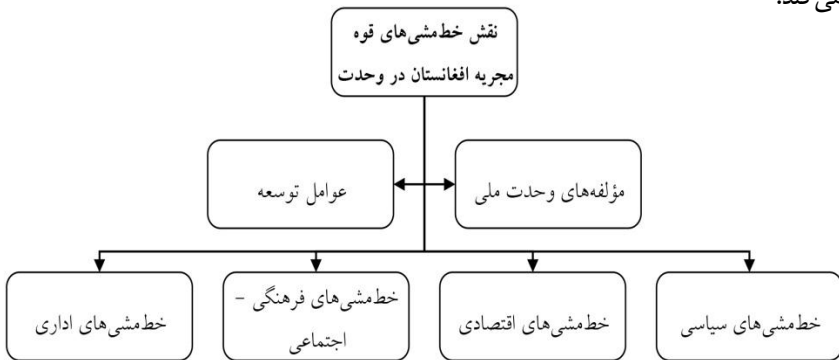
وحدت ملی در اصطلاح سیاسی، به معنای اشتراک همه افراد ملت در آمال و مقاصد است؛ چنانکه به منزله مجموعه واحدی به‌شمار آیند. به عبارت دیگر، وحدت ملی به این معناست که مردم استان‌های یک کشور دارای هر زبان، هر نژاد، هر مذهب و هر مسلک باشند، باید همیشه و در هر حال در امور اساسی، به‌ویژه سیاست خارجی در برابر بیگانه متحد شوند و وطن را حفظ کنند. در اختلاف بزرگ یا کوچکی که دارند، بیگانه را دخالت ندهند و حل و فصل آنها را به خردمندان ملت خود واگذارند (آقابخشی و افشاری راد، ۱۳۸۹، ص ۴۴۴). همچنین به معنای اتحاد فکری و عملی مردم یک کشور، اعم از اشخاص، جناح‌ها، احزاب و گروه‌ها، روشنفکران، سیاستمداران و مسئولان است (رحمانی یزدری، ۱۳۸۸، ص ۱۹۰). به عبارت دیگر، وحدت ملی آن است که یک ملت از هرگونه کشمکش و تفرقه داخلی دور باشد و مانع نفوذ دشمن به داخل مرزهای خویش شوند.

وحدت ملی یک فرایند دینی، فکری و فرهنگی است که هر شهروندی در طول زندگی، از سوی خانواده، نهادهای آموزشی، نهادهای دولتی، رسانه‌های جمعی و اقشار مختلف جامعه فرامی‌گیرد (همان، ص ۱۹۶).

۳. الگوی مفهومی پژوهش

با توجه به رابطه خطمشی عمومی با قانون و رابطه خطمشی عمومی با قوه مجریه و وحدت ملی، همچنین بررسی انواع خطمشی‌های عمومی، رهیافت‌ها، الگوها، محورها و عوامل تأثیرگذار بر خطمشی عمومی، پیشینه خطمشی‌های عمومی قوه مجریه افغانستان به دست آمده است. پس از کنکاش و بررسی تحقیقات در عرصه وحدت ملی در افغانستان و شناسایی خطمشی‌ها، در نهایت خطمشی‌های منتخب و مؤثر بر وحدت ملی در چهار گروه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی - اجتماعی و اداری دسته‌بندی شد که به صورت نمودار شماره ۲ ظهور پیدا کرد.

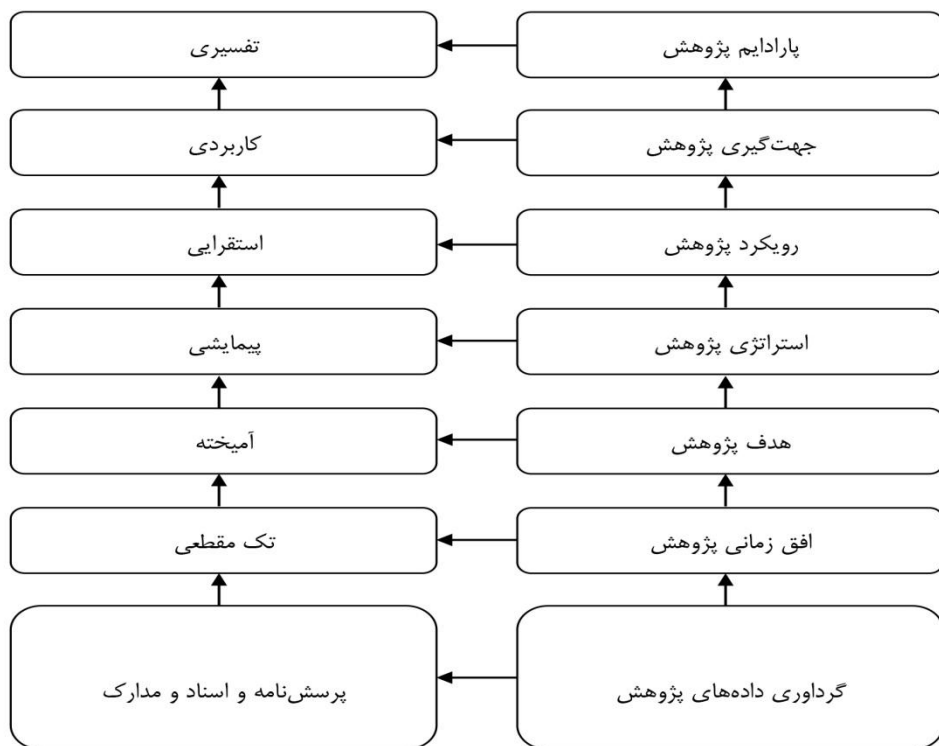
علت چهار گروه منتخب که ابعاد پرسش‌های پرسش‌نامه را نیز شامل می‌شود، این است که تحقیقاتی که در خصوص وحدت ملی صورت گرفته‌اند، توجه به این ابعاد را داشته‌اند (رشادت، ۱۳۹۶، ص ۸۳ - ۱۰۲؛ مجمع اسلامی میثاق، ۱۳۹۳، ص ۱۳ - ۴۶). همچنین مؤلفه‌های وحدت ملی در قانون اساسی نیز این ابعاد را برجسته می‌کند.



نمودار ۲. الگوی مفهومی پژوهش - محقق ساخته

۴. روش تحقیق

روش و استراتژی‌های پژوهش، طریق پژوهش را در اختیار ما می‌گذارد. مسیر پژوهش در واقع نوعی استراتژی پژوهشی است که جمع‌آوری داده‌ها را دربر می‌گیرد. انتخاب مسیر پژوهش، به جمع‌آوری داده‌های پژوهش تأثیر می‌گذارد. استراتژی مشخص به مهارت‌های مختلف، پیش‌فرض‌ها و رویه‌های پژوهشی دلالت دارند (دانایی‌فرد و همکاران، ۱۳۸۳، ص ۱۷). پژوهش حاضر بر اساس پیاز پژوهش (ساندرز، دانایی‌فرد) به گونه نمودار شماره ۳، انجام گرفته است.



نمودار ۳. پیاز پژوهش حاضر

۳-۴. گردآوری داده‌ها

بررسی‌هایی که در خصوص قوانین مصوبه قوه مقننه افغانستان، صورت گرفت، در ابتدا ۱۰۳ قانون شناسایی شد و از میان آنها ۳۲ قانون انتخاب و در ابعاد سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی و اداری، دسته‌بندی گردید. این ابعاد به‌عنوان فرضیه‌های فرعی در نظر گرفته شدند و تعداد ۳۲ سؤال از آنها استخراج گردید و در دسترس جامعه آماری هدفمند قرار گرفت و در نهایت، ۷۲ پرسش‌نامه توسط خبرگان و اعضای هیئت علمی و دانشجویان دکتری، کامل شد.

۴-۴. جامعه آماری

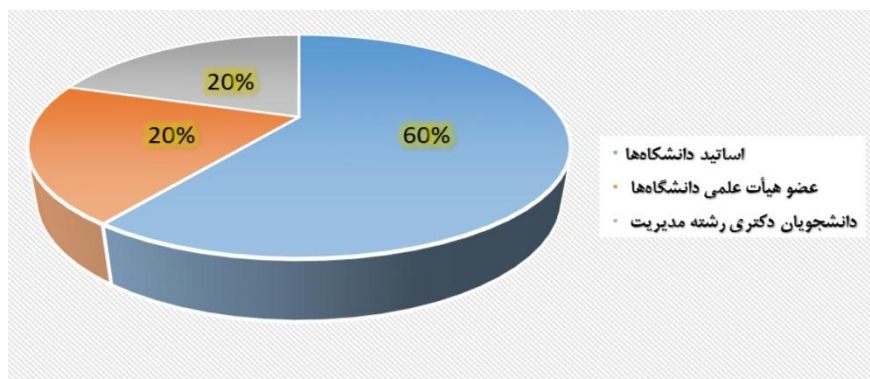
جامعه یا میدان آماری به کل گروه، افراد و مشاهدات و مسائل دیگر اشاره دارد که پژوهشگر به پژوهش درباره آنها بپردازد (سکاران، ۱۳۹۲، ص ۲۹۴). جامعه آماری این پژوهش، متشکل از معاونین آموزشی، اساتید دانشگاه‌ها و دانشجویان دکتری افغانستان است که هر یک با توجه به تجارب، تخصص و اثر پژوهشی‌شان انتخاب شده‌اند.

۴-۵. نمونه‌گیری

به هر یک از اعضای گروه نمونه، «آزمودنی»، و به انتخاب گروه نمونه از میان جامعه آماری، «نمونه‌گیری» گفته می‌شود. نمونه‌گیری، روش‌ها یا طرح‌هایی دارد که هر یک مربوط به جایگاه خاصی است. نمونه‌گیری انواع مختلفی دارد که با توجه به اهداف پژوهشی، نوع نمونه‌گیری این پژوهش از نوع هدفمند است.

۴-۶. تعیین حجم نمونه

به منظور رعایت دقت و اطمینان، روش‌های مختلفی برای تعیین حجم لازم، نمونه برای هر پژوهش وجود دارد. حجم نمونه آماری این تحقیق، ۷۲ نفر از اعضای هیئت علمی و دانشجویان دکتری هستند که از طریق پرسش‌نامه گردآوری شده است. نمودار جامعه‌شناختی آن در ذیل ترسیم شده است.



نمودار ۴. جامعه‌شناختی

نمودار جامعه‌شناختی نشان می‌دهد که شصت درصد از جامعه آماری را اساتید دانشگاه‌ها تشکیل می‌دهند و بیست درصد عضو هیئت علمی دانشگاه‌ها و بیست درصد را دانشجویان دکتری رشته مدیریت به خود اختصاص داده‌اند.

۴-۷. روایی پرسش‌نامه

روایی پرسش‌نامه به معنای تعیین‌کننده اعتبار آن، در اندازه‌گیری «مفهوم» مورد نظر است (سکاران، ۱۳۹۲، ص ۲۲۲). چنانکه اشاره شد، روایی این پرسش‌نامه بر اساس تأیید استاد محترم راهنما و تأیید هفت نفر از اساتید مدیریت، به دست آمده است.

۴-۸. پایایی پرسش‌نامه

جهت محاسبه پایایی، روش‌های گوناگونی وجود دارد؛ مانند روش اجرای دوباره (بازآزمایی)، روش موازی یا همتا، روش تصنیف یا دو نیمه کردن و ضریب آلفای کرونباخ. جست‌و جوی نظری و تجربی نشان داده است

که از بین روش‌های فوق، روش «آلفای کرونباخ» از قدرت و دقت بیشتری برخوردار است؛ لذا برای بررسی پایایی پرسش‌نامهٔ این پژوهش، از «آلفای کرونباخ» استفاده شده است. از جمله تعریف‌هایی که برای قابلیت اعتماد ارائه شده است، می‌توان به تعریف ارائه شده توسط *ییل و فریسی* (۱۹۸۹) اشاره کرد: «همبستگی میان یک مجموعه از نمرات و مجموعهٔ دیگری از نمرات در یک آزمون معادل، که به صورت مستقل بر یک گروه آزمودنی به دست آمده است». با توجه به این امر، معمولاً دامنهٔ ضریب قابلیت از صفر (عدم ارتباط) تا +۱ (ارتباط کامل) است. هرچه مقدار آلفا به یک نزدیک‌تر باشد، نشان از پایایی بیشتر پرسش‌نامه دارد. اگر مقدار آلفا بیشتر از ۰٫۷ باشد، پایایی خوب، و اگر بین ۰٫۵ تا ۰٫۷ باشد، پایایی متوسط، و اگر کمتر از ۰٫۵ باشد پرسش‌نامه فاقد پایایی لازم است.

بر اساس یک پیش‌آزمون، شامل سی آزمودنی اولیه نسبت به تعیین اعتبار پرسش‌نامهٔ پژوهش اقدام شد. پس جمع‌آوری سی پرسش‌نامه، نتایج آزمون «آلفای کرونباخ» آن به کمک نرم‌افزار SPSS به دست آمد.

جدول ۰۱. توصیف پایایی پرسش‌نامه

Case Processing Summary			
%	N	Valid	Cases
86.7	26	Excludeda	
13.3	4	Total	
100.0	30		

a. Listwise deletion based on all variables in the procedure.

جدول شمارهٔ ۱ بیانگر آمار توصیفی پایایی است و تعداد پرسش‌نامه، تعداد صحیح و خطای پرسش‌نامه را نشان می‌دهد. آزمون اصلی را جدول شمارهٔ ۲ مشخص می‌کند.

جدول ۰۲. آزمون پایایی پرسش‌نامه

Reliability Statistics		
Cronbach's Alpha	Cronbach's Alpha Based on Standardized Items	N of Items
.947	.949	29

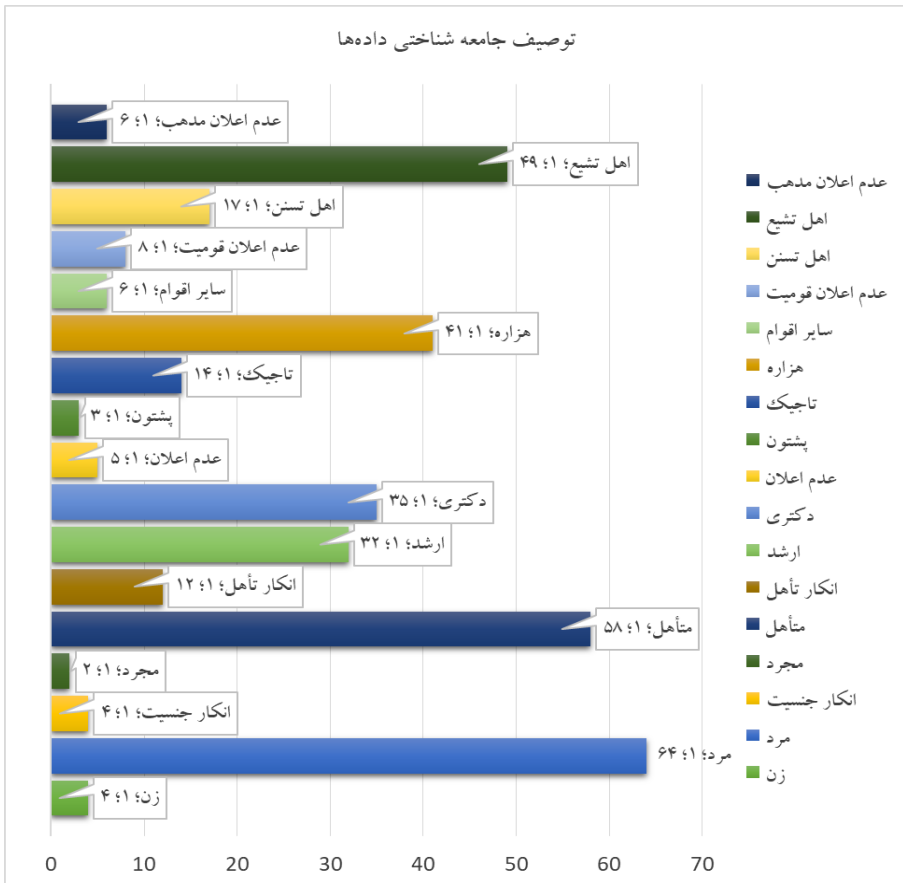
همان‌گونه که در جدول ۲ مشاهده می‌شود، ضریب (۰٫۹۴۷). آزمون جدول کرونباخ، بیانگر اعتبار خوب پایایی پرسش‌نامه را نشان می‌دهد. پس از مشخص شدن روایی و پایایی پرسش‌نامه، مرحله اصلی پژوهش یا توزیع پرسش‌نامه در میان گروه نمونه، به اجرا درآمد و از افراد خواسته شده است تا به پرسش‌ها بر مبنای طیف لیکرت پاسخ دهند. پرسش‌نامه‌های پاسخ داده شده پس از گردآوری، نخست کدگذاری شدند؛ سپس متغیرها یا پرسش‌ها و در نهایت داده‌ها (ما به ازای عددی هر پاسخ)، بر اساس دستورات لازم وارد نرم‌افزار SPSS شدند تا به تجزیه و تحلیل آنها اقدام شود. سوالات پرسش‌نامه، در آخر تحقیق و در پیوست آورده شده است.

۵. تجزیه و تحلیل داده‌ها

۱-۵. تحلیل توصیفی داده‌ها

برای توصیف داده‌ها، باید چگونگی توزیع فراوانی آنها را شناخت و تعریف کرد. این کار با مشخص کردن تشابه‌ها و تفاوت‌های توزیع داده‌ها امکان‌پذیر است. در آمار توصیفی، به این تشابه‌ها و تفاوت‌ها، شاخص‌های مرکزی (میانگین، میانه و مد) و شاخص‌های پراکندگی (دامنه، واریانس، انحراف معیار و چولگی) گفته می‌شود. برای رسیدن به این شاخص‌ها، داده‌ها نخست باید خلاصه شوند. بهترین روش‌های خلاصه کردن داده‌ها، «روش‌های هندسی» و «روش‌های مقداری» است. بدین جهت، مبحث توزیع فراوانی و شاخص‌ها یا آماره‌ها، از مباحث اصلی آمار توصیفی است (گار، ۱۳۸۹، ص ۲۴ - ۲۵).

بر اساس توزیع فراوانی، نمایش هندسی توزیع فراوانی ویژگی‌های جمعیت‌شناختی نمونه آماری به صورت نمودار شماره ۵ است.



نمودار ۵. توصیف جامعه‌شناختی داده‌ها

۲-۵. تحلیل استنباطی داده‌ها

توصیف داده‌ها مهم است؛ اما برای پاسخ به مسائل مهم کافی نیست؛ لذا لازم است از آمار استنباطی نیز استفاده شود. هدف اصلی آمار استنباطی به کارگیری امتیازات نمونه‌ای برای آزمون فرضیه و تعمیم نتایج آن به جامعه است. به عبارت دیگر، نتیجه‌گیری از جزء به کل است.

۱-۲-۵. اثبات فرضیه اصلی

یکی از راه‌های اثبات ادعای اولیه یا فرضیه، این است که با آزمون T نتیجه را به دست بیاوریم. آزمون T سه نوع است: تک‌نمونه‌ای؛ نمونه‌های مستقل و نمونه‌های وابسته (همان، ص ۳۹ - ۴۵). آنچه در این پژوهش کاربرد دارد، آزمون تک‌نمونه‌ای است. البته پیش‌نیاز این آزمون، با سه راه امکان‌پذیر است که عبارت‌اند از:

۱. با استفاده از آزمون کولموگروف - اسمیرنوف، داده‌ها نرمال باشد.

۲. داده‌ها در مقیاس فاصله‌ای یا نسبی باشد (نمره سن، وزن، پرسش‌نامه و...).

۳. معیار ثابتی باشد که بتوان میانگین را با آن مقایسه کرد.

با توجه به پیش‌نیازهای آزمون T در این پژوهش، از آزمون «کولموگروف - اسمیرنوف» برای نرمال بودن داده‌ها استفاده شده است. مقیاس این پژوهش، فاصله‌ای است و معیار آن عدد ۳ است. آزمون «کولموگروف - اسمیرنوف» یک آزمون مقدماتی است که به پژوهشگر درباره اینکه از آزمون پارامتریک (کمی) یا ناپارامتریک (کیفی) استفاده کند، یاری می‌رساند. نکته بسیار مهم این است که پس از تحلیل SPSS در برون‌داد آزمون کولموگروف - اسمیرنوف، اگر آزمون معنادار بود، یعنی p کوچک‌تر از پنج صدم بود، به معنای این است که توزیع نرمال نیست و باید از آزمون ناپارامتریک استفاده کرد. اگر نتیجه این آزمون معنادار نباشد، امکان استفاده از آزمون‌های پارامتریک وجود دارد.

تعیین نرمال بودن یا نبودن توزیع داده‌ها با استفاده از آزمون «کولموگروف - اسمیرنوف» فرضیه اصلی به‌گونه زیر است:

داده‌ها از توزیع نرمال پیروی می‌کنند H_0 (Null Hypothesis)

داده‌ها از توزیع نرمال پیروی نمی‌کنند H_1 (Alternative Hypothesis)

جدول ۳. تعیین نرمال بودن توزیع داده‌ها

One-Sample Kolmogorov-Smirnov Test		
نقش خط‌مشی‌های قوه مجریه افغانستان در وحدت ملی		
N		72
Normal Parameters,a,b	Mean	3.0445
	Std. Deviation	.81371
Most Extreme Differences	Absolute	.071
	Positive	.047
	Negative	-.071

Test Statistic	.071
Asymp. Sig. (2-tailed)	.200c,d
a. Test distribution is Normal.	
b. Calculated from data.	
c. Lilliefors Significance Correction.	
d. This is a lower bound of the true significance.	

در جدول شماره ۳، همان گونه که مشاهده می شود، Sig (۰.۲۰) بزرگ تر از (۰.۰۵) است. با این حال، فرض H_0 پذیرفته می شود. داده ها از توزیع نرمال پیروی می کنند و می توان از آزمون های پارامتریک استفاده کرد. بنابراین، برای بررسی فرضیه ها، در ادامه از آزمون میانگین T تک نمونه ای استفاده می شود.

$$H_0: \mu_1 \leq 3 = \text{خطمشی های قوه مجریه افغانستان در وحدت ملی تأثیر ندارد؛}$$

$$H_1: \mu_1 > 3 = \text{خطمشی های قوه مجریه افغانستان در وحدت ملی تأثیر دارد.}$$

جدول ۴. آمار توصیفی میانگین فرضیه اصلی در پرسش نامه

One-Sample Statistics				
نقش خطمشی های قوه مجریه افغانستان در وحدت ملی	N	Mean	Std. Deviation	Std. Error Mean
	72	3.2868	.84789	.09992

جدول شماره ۴ بیانگر آمار توصیفی است و میانگین، انحراف معیار و خطای استاندارد از میانگین را نشان می دهد. نتایج به دست آمده از جدول، بیانگر تعداد پرسش نامه ها ($N = 72$)، میانگین ($Mean = 3.2868$)، انحراف استاندارد ($Std. Deviation = .84789$) داده ها و انحراف معیار ($Std. Error Mean = .09992$) از میانگین است. البته برای آزمون معنادار بودن یا نبودن می بایست به جدول شماره ۵ رجوع کنیم.

جدول ۵. اثبات فرضیه اصلی در پرسش نامه

One-Sample Test						
نقش خطمشی های قوه مجریه افغانستان در وحدت ملی	Test Value = 3					
	t	df	Sig. (2-tailed)	Mean Difference	95% Confidence Interval of the Difference	
					Lower	Upper
	2.870	71	.005	.28680	.0876	.4860

جدول شماره ۵ مهم ترین جدول برای گزارش است. این جدول مشخص کننده آماره آزمون ($t = 2.870$)، درجه آزادی ($df = 71$)، سطح معنادار بودن ($(Sig. 2-tailed) = .005$)، آزمون فرض H_0 در مقابل فرض H_1 یا همان $p - value$ و تفاوت میانگین ($Mean Difference = .28680$) با میانگین عدد ثابت ($Test Value = 3$) است. همچنین پایین ترین ($Lower = .0876$) و بالاترین ($Upper = .4860$) فاصله اطمینان تفاوت از میانگین را بیان می دارد. با توجه به اینکه مقدار sig در این جدول، کوچک تر از پنج صدم است، فرض H_0 رد می شود. با مردود شدن این فرض، فرض رقیب که دال بر تأثیر گذاری خطمشی های قوه مجریه بر متغیر وحدت ملی است، اثبات می گردد؛ بنابراین، می توان گفت که خطمشی های قوه مجریه افغانستان در وحدت ملی تأثیر دارد.

فرایند اثبات فرضیه‌های فرعی نیز مانند فرضیه اصلی مورد استنباط قرار گرفت و نتایج جدول شماره ۶ را برای ما مشخص کرد.

جدول ۶. توصیف فرضیه‌های فرعی

One-Sample Statistics				
فرضیه‌ها	N	Mean	Std. Deviation	Std. Error Mean
بعد سیاسی	72	3.3403	.96675	.11393
بعد اقتصادی	72	3.2431	1.14925	.13544
بعد فرهنگی و اجتماعی	72	3.2897	.92550	.10907
بعد اداری	72	3.2454	.96048	.11319

جدول شماره ۶ آمار توصیفی داده‌های پرسش‌نامه را مشخص می‌کند و میانگین، انحراف معیار و خطای استاندارد از میانگین را نشان می‌دهد. نتایج به دست آمده از جدول، بیانگر تعداد پرسش‌نامه‌ها ($N = 72$)، میانگین ($Mean = 3.2454$)، انحراف استاندارد ($Std. Deviation = .96048$) داده‌ها و انحراف معیار ($Std. Error Mean = .11319$) از میانگین است. معنادار بودن یا نبودن را جدول شماره ۷ بیان می‌کند.

جدول ۷. اثبات فرضیه‌های فرعی

One-Sample Test						
نقش خط‌مشی‌های قوه مجریه افغانستان در وحدت ملی	Test Value = 3					
	t	df	Sig. (2-tailed)	Mean Difference	95% Confidence Interval of the Difference	
					Lower	Upper
بعد سیاسی	2.987	71	.004	.34028	.1131	.5675
بعد اقتصادی	1.795	71	.077	.24306	-.0270	.5131
بعد فرهنگی و اجتماعی	2.656	71	.010	.28974	.0723	.5072
بعد اداری	2.168	71	.034	.24537	.0197	.4711

جدول شماره ۷ مشخص‌کننده آماره آزمون، درجه آزادی، سطح معنادار بودن، آزمون فرض H_0 در مقابل فرض H_1 یا همان $P - value$ و تفاوت میانگین، با میانگین عدد ثابت ($Test Value = 3$) است. همچنین پایین‌ترین و بالاترین فاصله اطمینان تفاوت از میانگین را بیان می‌دارد. با توجه به جدول شماره ۷ مقدار sig در ابعاد سیاسی، فرهنگی - اجتماعی و اداری قابل قبول است؛ بدین معنا که نقش خط‌مشی‌های قوه مجریه افغانستان در وحدت ملی، در ابعاد سیاسی، اداری و فرهنگی - اجتماعی تأثیر دارد. بعد اقتصادی نتیجه معکوس داده و بیانگر این است که خط‌مشی‌های قوه مجریه افغانستان در وحدت ملی در بعد اقتصادی تأثیر ندارد.

۶. فراتحلیل

قوانین مصوبه یک کشور، خطمشی‌های قوه مجریه آن کشور را مشخص می‌کند. بررسی‌هایی که در خصوص قوانین مصوبه قوه مقننه افغانستان صورت گرفت و نتایجی که از تجزیه و تحلیل توصیفی و استنباطی داده‌ها به دست آمد، نشان داد که خطمشی‌های قوه مجریه بر وحدت ملی تأثیر دارد. هم‌اینک به بررسی چگونگی تأثیر این ابعاد بر وحدت ملی می‌پردازیم.

۶-۱. بعد سیاسی

در این بعد، قوانین مانند قانون اساسی، قانون انتخابات، قانون کمیسیون مستقل نظارت بر تطبیق قانون اساسی، قانون احزاب سیاسی افغانستان، موافقت‌نامه همکاری‌های درازمدت استراتژیک میان افغانستان و آمریکا، قانون احوال شخصیه شیعیان افغانستان و قانون شوراها و ولایتی، بررسی شد. در ماده چهارم «قانون اساسی»، حاکمیت ملی از آن ملت خوانده شده و در ادامه آمده است که هیچ فرد از افراد ملت، از تابعیت افغانستان محروم نیست. همین‌طور در ماده پنجم و بند چهارم از «قانون انتخابات» آمده است که هر نوع محدودیت مستقیم یا غیرمستقیم بر رأی‌دهندگان و نامزد بر اساس زبان، مذهب، قوم، جنس، قبیله، سمت، سکونت و موقف اجتماعی ... ممنوع است. در ماده هشتم و بند دوم «قانون کمیسیون مستقل نظارت بر تطبیق قانون اساسی» نیز نظارت را از آن شورای ملی و سازمان‌های دولتی و غیردولتی دانسته است. در ماده ششم «قانون احزاب سیاسی» آمده است که احزاب سیاسی حق تحریک تعصبات قومی، نژادی و مذهبی و ایجاد خطر مشهود در برابر حقوق و آزادی‌های افراد و برهم زدن عمده نظم و امنیت عامه و وابستگی سیاسی و تمویل از منابع خارجی را ندارند. در بند اول ماده دوم «موافقت‌نامه همکاری‌های درازمدت استراتژیک میان افغانستان و آمریکا» اظهار گردیده است که طرفین برای تقویت امنیت، مبارزه با تروریسم، صلح و ثبات و توانمندی افغانستان برای دفع تهدیدات ... تمامیت ارضی و وحدت ملی ... به همکاری ادامه می‌دهند. در بند سوم ماده دوم «قانون احوال شخصیه شیعیان افغانستان»، حضور قاضیان شیعه در تطبیق محاکم را فراهم کرده است. در ماده سوم «قانون شوراها و ولایتی (استانی)» اظهار شده است که ... عضو شورای ولایتی بدون تبعیض و ملحوظات قومی، دینی، مذهبی، لسانی، جنس و معلولیت...؛ براساس اعتمادی که از طرف مردم به وی شده است، عمل می‌کند.

۶-۲. بعد اقتصادی

قوانینی که در این بعد بررسی شدند، عبارت‌اند از قانون معادن، قانون مالیات بر عایدات، قانون حفاظت صنایع داخلی، قانون سرمایه‌گذاری خصوصی، قانون تنظیم خدمات انرژی برق، قانون حمایت اسرار تجارتي و صنعتی، قانون کار، قانون آب، قانون تنظیم امور زمین‌داری و قانون اشاعه و ثبت دارایی‌های

مقامات و کارکنان دولتی. در بند ششم ماده دوم «قانون معادن»، به مشارکت جوامع محلی در صنعت معدن کاری و استفاده از کالاهای خدمات ملی و محلی توجه شده است. در بند یک ماده دوم «قانون مالیات بر عایدات»، گرفتن مالیات را از تمام اشخاص حقیقی و حقوقی در داخل و خارج کشور، که از منابع افغانستان به دست می‌آورند، جایز دانسته است. در بند اول و دوم ماده دوم «قانون حفاظت صنایع داخلی»، از صنایع داخلی حمایت و تشویق شده است. در بند یک ماده پنجم «قانون سرمایه‌گذاری خصوصی»، سرمایه‌گذاری در خصوص انرژی هسته‌ای و تأسیس قمارخانه‌ها... و تولید مواد مخدر... ممنوع شده است. در بند چهارم و پنجم ماده دوم «قانون تنظیم خدمات انرژی برق»، دسترسی عامه مردم به برق... بدون تبعیض... به قیمت عادلانه بیان شده است. در بند یک و دوم ماده چهارم «قانون حمایت اسرار تجاری و صنعتی»، به دسترسی تمام اتباع افغانستان، توجه شده است. در بند یک ماده نهم «قانون کار»، هرگونه... تبعیض در استخدام ممنوع دانسته شده است. در ماده اول «قانون آب»، از توزیع عادلانه سخن به میان آمده است. در بند سوم و چهارم ماده دوم «قانون تنظیم امور زمین‌داری»، بازگرداندن زمین‌های غصب‌شده یا غیر احکام شرعی و قانون توزیع شده، آمده است. در بند دوم ماده دوم «قانون اشاعه و ثبت دارایی‌های مقامات و کارکنان دولتی»، زمینه تشخیص سوءاستفاده از صلاحیت‌ها... دارایی‌های مقامات عالی‌رتبه دولتی... فراهم شده است.

۳-۶. بعد فرهنگی و اجتماعی

قوانینی که در این بعد انتخاب شدند، عبارت‌اند از: قانون معارف، قانون آکادمی علوم جمهوری اسلامی افغانستان، قانون تحصیلات عالی ملکی (غیرنظامی)، مقررۀ تنظیم بورسیه‌های ملکی، قانون حفظ آثار تاریخی و فرهنگی افغانستان، قانون رسانه‌های همگانی، قانون دسترسی به اطلاعات، قانون صحت عامه (بهداشتی)، قانون ثبت‌احوال نفوس، قانون شهرسازی و مسکن، قانون مدنی افغانستان و قانون مبارزه با مواد مخدر و مسکرات. در ماده سوم «قانون معارف» آمده است که تمام اتباع افغانستان بدون هیچ نوع تبعیض، دارای حق مساوی تعلیم و تربیت‌اند. در بند دوم ماده سوم «قانون آکادمی علوم جمهوری اسلامی افغانستان»، محور فعالیت، معتقدات احکام اسلامی و احکام قانون اساسی قرار گرفته است. در بند ششم ماده دوم «قانون تحصیلات عالی ملکی (غیرنظامی)»، بر تقویت روحیه وحدت ملی و وطن‌دوستی در بین جوانان تأکید شده است. توزیع بورسیه‌های تحصیلی با رعایت عدالت... و شایستگی، در بند چهارم ماده دوم «مقررۀ تنظیم بورسیه‌های ملکی» بیان شده است. در ماده دوم «قانون حفظ آثار تاریخی و فرهنگی افغانستان»، بر حفظ آثار تاریخی و فرهنگی... تأکید شده است. در بند چهارم ماده دوم «قانون رسانه‌های همگانی»، اظهار فکر و احساس اتباع کشور به‌طور عادلانه توسط گفتار... فراهم گردیده است. در بند اول و دوم ماده دوم «قانون دسترسی به اطلاعات»، حق دسترسی به اشخاص حقیقی و حقوقی... شفافیت... و مشارکت مردم در حکومت‌داری بیان شده است. در بند یک ماده دوم «قانون صحت عامه (بهداشتی)» خدمات اولیه را برای

اتباع کشور اعلام می‌دارد. در بند اول ماده دوم «قانون ثبت احوال نفوس»، سخن از تثبیت تابعیت اتباع کشور به میان آمده است. بند ششم و هفتم ماده دوم «قانون شهرسازی و مسکن»، دسترسی اتباع به خدمات اساسی زیربنای شهری... و حفظ ساحات تاریخی و فرهنگی... در نظر گرفته شده است. در بند دوم ماده اول «قانون مدنی افغانستان»، رعایت عدالت را به بهترین وجه بیان داشته است. بند اول ماده دوم «قانون مبارزه با مواد مخدر و مسکرات»، هر نوع کشت مواد مخدر را ممنوع دانسته است.

۴-۶. بعد اداری

در این بعد، قانون حمایت از اطلاع‌دهندگان جرائم فساد اداری، قانون کارکنان خدمات ملکی و قانون مبارزه با فساد اداری، ارزیابی شدند. در بند دوم و سوم و چهارم ماده دوم «قانون حمایت از اطلاع‌دهندگان جرائم فساد اداری»، تشویق اشخاص از اطلاع دادن فساد اداری... بیان گردیده است. در بند دوم ماده دوم «قانون کارکنان خدمات ملکی»، استخدام کارکنان... بر اساس شایستگی و بدون تبعیض و از طریق رقابت آزاد در نظر گرفته شده است. در بند ششم و ماده دوم «قانون مبارزه با فساد اداری»، مشارکت همه مردم در امر جلوگیری و مبارزه با فساد اداری پیش‌بینی شده است.

با توجه به اثبات فرضیه اصلی و فرضیه‌های فرعی و بررسی‌هایی که در قوانین صورت گرفت، به‌صورت کلی خطمشی‌های عمومی قوه مجریه افغانستان، در تحقق و پیشرفت وحدت ملی نقش بسزایی دارد. از نگاه نظری، خطمشی‌های قوه مجریه در خصوص ارتقای همبستگی و وحدت ملی مشکلی وجود ندارد. آنچه در این عرصه از آن رنج می‌بریم، در میدان عمل و اجرای خطمشی‌هاست. در عرصه‌های مختلف شاهد عدم رعایت این خطمشی‌ها هستیم که تحقیق جداگانه‌ای را می‌طلبد.

نتیجه‌گیری

ابعاد نمودار مفهومی پژوهش عبارت‌اند از سیاسی، اقتصادی، فرهنگی - اجتماعی و اداری. این ابعاد از طریق پرسش‌نامه در اختیار خبرگان و جامعه آماری هدفمند قرار داده شدند و سپس بر اساس آمار توصیفی و استنباطی مورد ارزیابی قرار گرفتند. با آزمون «کولموگروف - اسمیرنوف» پارامتریک (کمی) یا ناپارامتریک (کیفی) موضوع مشخص شد و به ما نشان داد که باید از آزمون ناپارامتریک استفاده شود. برای اثبات فرضیه اصلی، از آزمون T تک‌نمونه‌ای استفاده شد. نتیجه به‌دست‌آمده این بود که به‌طور کلی خطمشی‌های قوه مجریه افغانستان در وحدت ملی تأثیر دارد. نتیجه‌ای که از فرضیه‌ها به دست آمد، این است که بعد سیاسی، اداری و فرهنگی - اجتماعی پژوهش، در سطح معنادار قرار دارد؛ بدین معنا که خطمشی‌های سیاسی، اداری و فرهنگی - اجتماعی قوه مجریه افغانستان در وحدت ملی تأثیر دارد. این نتیجه در بعد اقتصادی منفی است؛ یعنی خطمشی‌های اقتصادی قوه مجریه افغانستان در وحدت ملی اثر ندارد.

منابع

- آقا بخشی، علی‌اکبر و همکاران، ۱۳۸۹، *فرهنگ علوم سیاسی*، چ سوم، تهران، چاپار.
- الوانی، سید مهدی، ۱۳۸۷، *تصمیم‌گیری و تعیین خطمشی دولتی*، چ سیزدهم، تهران، سمت.
- بستانی، فؤاد افرام و همکاران، ۱۳۷۵، *فرهنگ ابجدی*، چ دوم، تهران، نشر اسلامی.
- بشیریه، حسین، ۱۳۸۲، *آموزش دانش سیاسی*، چ سوم، تهران، نگاه معاصر.
- تسلیمی، محمد سعید، ۱۳۷۸، *تحلیل فرایندی خطمشی‌گذاری و تصمیم‌گیری*، چ اول، تهران، سمت.
- جواد، زاهدی، ۱۳۹۵، «تمرکز و عدم تمرکز در ساختار حکومت حاکمان افغانستان»، *انجمن مدیریت*، سال سوم، ش سوم، ص ۵۴.
- دارالانشاء، ۱۳۸۲، *قانون اساسی افغانستان*، کابل، کمیسیون قانون اساسی.
- دنائی فرد، حسین و همکاران، ۱۳۸۳، *روشن‌شناسی پژوهش کمی در مدیریت (رویکرد جامع)*، چ اول، تهران، صفار.
- دانش، سرور، ۱۳۹۱، *حقوق اساسی افغانستان*، چ دوم، کابل، مؤسسه تحصیلات عالی ابن سینا.
- دولت‌آبادی، بصیر احمد، ۱۳۸۱، *شناسنامه افغانستان*، چ دوم، تهران، عرفان.
- دهخدا، لغت‌نامه، برنامه اندرودیدی، کاری از مسعود داداشی و منوچهر داداشی.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۱۲ ق، *مفردات الفاظ القرآن*، چ اول، بیروت - دمشق، دار القلم - الدار الشامیه.
- رحمانی یزدری، علی جان، ۱۳۸۸، *افغانستان و مشکلات اجتماعی*، چ اول، قم، مشهور.
- رشادت، محمد امین، ۱۳۹۶، «موانع و چالش‌های توسعه در افغانستان»، *غرجستان*، سال سوم، ش سوم، ص ۸۳ - ۱۰۲.
- رضائیان، علی، ۱۳۷۸، *مبانی سازمان و مدیریت*، چ دوازدهم، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها، سمت.
- سانجیا اس. گار و آجای اس. گار، ۱۳۸۹، *کاربرد روش‌های آماری در مدیریت و حسابداری (با استفاده از نرم‌افزار SPSS)*، چ اول، اهواز، دانشگاه شهید چمران.
- سکاران، اوما، ۱۳۹۲، *روش‌های تحقیق در مدیریت*، محمد صائی، محمود شیرازی، چ دوازدهم، تهران، مرکز آموزش مدیریت دولتی ریاست جمهوری.
- فرهنگ، میر محمدصدیق، ۱۳۸۰، *افغانستان در پنج قرن اخیر*، ج ۱، چ اول، قم، دارالتفسیر.
- قاضی، ابوالفضل، بی‌تا، *حقوق اساسی و نهادهای سیاسی*، چ چهارم، تهران، دانشگاه تهران.
- قلی پور، رحمت‌الله، ۱۳۹۲، *تصمیم‌گیری سازمانی و خطمشی‌گذاری عمومی*، چاپ چهارم، تهران، سمت.
- کاظمی، علی اصغر، ۱۳۸۱، *مدیریت سیاسی و خطمشی دولتی*، چ دوم، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- مجمع اسلامی میثاق، ۱۳۹۳، مجموعه مقالات همایش وحدت ملی و اخوت اسلامی در افغانستان، ج ۳، قم، مجمع اسلامی میثاق.
- محمود، منصور نژاد، ۱۳۷۸، «تفکیک قوا، ولایت مطلقه فقیه و استقلال قوا»، *حکومت اسلامی*، س چهارم، ش اول، ص ۴۰ - ۴۴.
- مطهری، مرتضی، بی‌تا، *مجموعه آثار*، ج ۱۴، قم، نرم‌افزار مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی.
- نجفی، علی، مسیح ارزگانی، ۱۳۹۰، *افغانستان رنگین‌کمان اقوام*، چ دوم، کابل، میراث خراسان.
- هاولت، مایکل و همکاران، ۱۳۹۴، «مطالعه خطمشی عمومی چرخه‌های خطمشی و زیر نظام‌های خطمشی»، مصحح، عباس منوریان، دکتر ابراهیم گلشن، چ اول، تهران، مهربان.
- هیوز، آون، ۱۳۹۴، *مدیریت دولتی نوین*، چ پانزدهم، تهران، مروارید.